

## تصمیمات قضائی

مرجع رسیدگی هیئت هفت نفری دیوانعالی کشور

تاریخ رسیدگی ۴۵/۶/۲۹

گردش کار - شورای پول و اعتبار با ارسال رونوشت رأی شماره ۷۲۵-  
۴۴/۱۲/۱۵ شعبه ۲۶ دادگاه شهرستان تهران نامه‌ای بعنوان جناب آقای  
دادستان کل نوشته و اعلام داشته است طبق ماده ۶۱ قانون بانکی و پولی کشور  
شورای پول و اعتبار میتواند در موقعی که قدرت پرداخت از بانک سلب شود اجازه  
تأسیس بانک را ابطال نماید در مورد بانک . . . نیز از این اختیارات استفاده شده  
و مراتب به هیئت وزیران اطلاع داده شده و مورد موافقت هیئت مزبور قرار گرفته  
این جریان با اطلاع دادستان تهران نیز جهت اقدام طبق بند ۳ از ماده ۱۵ قانون  
تجارت رسیده و دادستان تهران در پاسخی که بجناب دادستان کل نوشته عدم  
لزوم مراجعه بدادگاه شهرستان را اعلام داشته اخیراً بانک رفاه کارگران تقاضای  
صدور حکم ورشکستگی بانک . . . را از دادگاه شهرستان نموده و دادگاه باستناد  
اینکه یک سال از تاریخ انحلال بانک گذشته حکم ببطال دعوی خواهان داده  
و با این رأی در حقیقت دادگاه شهرستان خود را صالح برای رسیدگی دانسته و یک  
مرجع قضائی و یک مرجع غیرقضائی هر دو خود را صالح برای رسیدگی در موضوع  
واحد تشخیص داده‌اند و برطبق ماده ۵۵ قانون آئین دادرسی مدنی تقاضای حل  
اختلاف میشود آقای دادستان کل نیز با اظهار نظر بصلاحت شورای پول و اعتبار  
از هیئت هفت نفری دیوانعالی کشور تقاضای حل اختلاف نموده‌اند هیئت حل  
اختلاف مذکور در ماده ۵۶ قانون آئین دادرسی مدنی در تاریخ روز پنجشنبه  
۴۵/۶/۲۴ در شعبه اولی دیوانعالی کشور تشکیل پس از قرائت گزارش آقای  
صفری و مطالعه اوراق پرونده و ملاحظه نظریه کتبی جناب آقای دادستان کل  
کشور مبنی بر اینکه ( با توجه بنامه بانک مرکزی مراتب ذیل اشعار میدارد «  
۱ - طبق بند ۲ ماده ۶۱ قانون بانکی و پولی کشور مصوب هفتم خرداد  
ماه ۱۳۰۹ شورای پول و اعتبار میتواند هر موقع قدرت پرداخت از بانکی سلب شود  
اجازه سابق را مبنی بر موافقت یا تأسیس آن ابطال نماید .

در بند ۴ ماده مزبور قانونگزار پیش بینی کرده که بانکها میتوانند در مدت سی روز از ابلاغ تصمیم نهائی شورای پول و اعتبار به هیئت وزیران شکایت نمایند و تصمیم هیئت وزیران قطعی است.

برای تصفیه این قبیل بانکها که سلب قدرت پرداخت از آن شده یعنی به عبارت دیگر ورشکستگی آنها طبق تصمیم هیئت وزیران قطعی گردیده ماده ۸۱ قانون بانکی و پولی کشور چنین مقرر میدارد «تصفیه طبق قانون بازرگانی بانظارت شورای پول و اعتبار بعمل خواهد آمد و دارائی های آنها در ایران باید بدو بمصرف واریز بدهیها برسد از طرفی متذکر میشود که طبق ماده ۱۵۰ قانون تجارت ورشکستگی تاجر بحکم محکمه بدایت اعلام میشود و موقتاً قابل اجرا است حکم دادگاه بدایت قابل پژوهش و فرجام است. ماده ۴۴ قانون تجارت اشعار میدارد که محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهی در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را بسمت مدیریت تصفیه معین میکند و ماده ۲۷ قانون مزبور تصریح دارد باینکه دادگاه در حکم مربوط بورشکستگی یک نفر را بسمت عضو ناظر معین خواهد کرد و مطابق ماده ۳۲ قانون تجارت محکمه همیشه میتواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد.

از منقایسه مواد فوق الذکر قانون تجارت با مواد فوق الاشعار با قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۳۹ مطالب زیر استخراج میشود.

۱ - قانون بانکی و پولی کشور که وارد بر قانون تجارت هست تشخیص سلب قدرت پرداخت یعنی ورشکستگی تاجر را بشورای پول و اعتبار محول کرده است و شورای مزبور را مخیر نموده که اگر مصلحت وضع اقتصادی کشور اجازه انحلال بانک مزبور را میدهد اقدام باینکار کند والا تناهیر دیگری برای صیانت حقوق دیان اتخاذ کند. در صورتیکه رسیدگی بورشکستگی از طرف دادگاه تجارت الزامی است و همینکه سلب قدرت پرداخت بانک را احراز کرد مکلف با صدور حکم توقف میباشد.

۲ - مطابق قانون بانکی و پولی کشور تصمیم شورای پول و اعتبار راجع به سلب قدرت و پرداخت در صورت شکایت بانک از طرف هیئت وزیران تجدید نظر میشود و تصمیم هیئت مزبور قطعی است. تصمیم شورای پول و اعتبار دائر بر انحلال بانک

قبل از تصمیم مثبت از طرف هیئت وزیران قابلیت اجراء ندارد. در صورتیکه حکم دادگاه بدایت خواه بر توقف و یا عدم توقف باشد قابل شکایت پژوهشی و فرجاسی است بعلاوه حکم دادگاه بدایت بطور موقت اجرا میشود.

۳ - مطابق قانون بانکی و پولی کشور در تصفیه بانک شورای پول و اعتبار ناظر قرار داده شده و نظارت این شورالایتنغیر است در صورتیکه مطابق قانون تجارت دادگاه ناظر را معین میکند و ناظر مزبور قابل تغییر میباشد.

از مقایسه مواد فوق الذکر قانون تجارت و مواد قانون بانکی و پولی کشور که وارد بر قانون تجارت است قضائاً این نتیجه استحصال میشود که رسیدگی به ورشکستگی بانگها در صلاحیت شورای پول و اعتبار است نه دادگاه بدایت. ولی موضوعی را که مقنن تصریح نکرد مرجع تصفیه است باین معنی که آیا تعیین آن بادادگاه است یا با شورای پول و اعتبار بنظر دادرای دیوانعالی کشور تعیین آن بجهات ذیل با شورای پول و اعتبار است.

اولاً - دادگاه وقتی میتواند اقدام به تعیین مرجع تصفیه کند که صلاحیت در رسیدگی بورشکستگی را داشته باشد و چون فاقد صلاحیت است بدیهی است که حق تعیین مرجع تصفیه را نخواهد داشت.

ثانیاً - تعیین مرجع تصفیه از طرف دادگاه مستلزم مخارج کزافی است که تحمیل بر دیان میشود در صورتیکه تعیین مرجع از طرف شورای پول و اعتبار چنین مخارجی را در بر ندارد.

ثالثاً - ختم امر از طرف اداره تصفیه دادگستری سالهای متمادی بطول می انجامد در صورتیکه مرجعی را که شورامعلوم میکند بواسطه انحصار رسیدگی بموضوع واحد در مدت کمی خاتمه می یابد.

رابعاً - در صورت اقتضا بانک مرکزی برای اسکات دیان میتواند مقداری ببانک متوقف کمک کند در صورتیکه هیئت تصفیه ایکه دادگاه تعیین میکند فاقد چنین توانائی است.

بنا بمراتب معروضه مسلم است که اعلام ورشکستگی بانک در صلاحیت شورای پول و اعتبار است نه دادگاه در این صورت هیئت تصفیه تبعاً باید از طرف شورای مزبور تعیین شود نه دادگاه.

دادسرای شهرستان در موقع ارجاع امر از طرف شورای پول و اعتبار برای اقدام در صدور حکم ورشکستگی صلاحیت شورا را تصدیق کرده و بهمین جهت نامه‌ای بعنوان اینجانب نگاشت. نظریات دادسرای مزبور مورد تأیید اینجانب قرار گرفت و بالنتیجه شورای پول و اعتبار طبق مقررات بانک. را منحل و هیئت تصفیه آنرا نیز معین کرده و هیئت مزبور مدتی است که مشغول تصفیه امور آن بانک میباشد.

شعبه ۲۶ دادگاه شهرستان در اثر شکایت بانک رفاه کارگران انحلال بانک را مستند بر تصمیم مجمع عمومی کرده و در صورتیکه قبل از آن شورای پول و اعتبار در اثر مسلوب شدن قدرت پرداخت از بانک. . . بانک مزبور را منحل کرده است. استناد دادگاه بر تصمیم مجمع عمومی بانک مفهوم اینست که شورای پول و اعتبار را برای اعلام ورشکستگی صالح ندانسته و تنها بواسطه انحلال از طرف مجمع عمومی و گذشتن بیش از یکسال از تاریخ انحلال از حکم توقف و یا عدم توقف آن خودداری کرده است اگر دادگاه بدایت در مورد سلب قدرت پرداخت بانک خود را صالح بر رسیدگی بتوقف بداند مفاسد زیادی بر پیکر اقتصادی کشور وارد میشود یکی از آن مفاسد تعارض بین تصمیم شورای پول و اعتبار دادگاه شهرستان است که ممکن است یک کدام بانک را ورشکسته بدانند و دیگری بر عکس آنرا متوقف تشخیص ندهد. در این صورت معلوم نیست وضع مراجعین بانک چه صورتی پیدا خواهد کرد.

ضمناً متذکر میشود که بانک مرکزی برای وقوف از وضع و کیفیت اداره و استحکام مالی بانکها بازرسان خبره قسم خورده دارد که پیوسته در مقام بازرسی وضع بانکها هستند و گزارش آنها با اطلاع شورای پول و اعتبار میرسد در صورتیکه دادگاهها فاقد چنین دستگاه مجهزی میباشند شورای پول و اعتبار همینکه تشخیص دهد وضع بانک و اعتبار آن متزلزل است میتواند رسماً بدون شکایت اشخاص اجازه تأسیس را باطل کرده بامر بانک خاتمه دهد. در صورتیکه دادگاه قبل از شکایت اشخاص یا خود متوقف نمیتواند اقدام بر رسیدگی نماید.

بنا بمراتب فوق الاشعار چون در موقع رسیدگی بورشکستگی بانکها بین دادگاه شهرستان و شورای پول و اعتبار اختلاف در صلاحیت ایجاد شده باینمعنی «

که شورا صریحاً و دادگاه تلویحاً خود را برای رسیدگی صالح میدانند قضیه مشمول ماده ۵۵ قانون دادرسی مدنی میباشد. دادستان کل دکتر علی آبادی «مشاوره نموده با کثرت چنین رأی میدهند».

### رای اکثریت

در ماده ۶۱۰ قانون بانکی و پولی کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹ بشورای پول و اعتبار اختیار داده شده که در موارد مذکور در آن ماده و از جمله بند (ب) از قسمت دو اجازه تأسیس بانک را که بموجب ماده ۵۹ آن قانون صادر کرده است ابطال نماید و ابطال اجازه در موردیکه برحسب تشخیص شورا قدرت پرداخت از بانک سلب شده باشد قانوناً بمنزله حکم ورشکستگی نبوده و جایگزین حکم مزبور که طبق ماده ۱۵۴ قانون تجارت مرجع رسیدگی و صدور آن دادگاه شهرستان است نمیباشد و اعمال نظارتی که در ماده ۸۱ قانون بانکی و پولی کشور از طرف شورای پول و اعتبار مقرر گردیده، شامل تصفیه امور بانک ورشکسته است و بند (ب) قسمت دو ماده ۶۱ و ماده ۸۱ قانون مزبور ناسخ ماده ۱۵۴ قانون تجارت نیست و بنابراین با کثرت آراء رسیدگی در صلاحیت دادگاه شهرستان تشخیص میشود.

### رای اقلیت

شورای پول و اعتبار که طبق قانون بانکی و پولی کشور مصوب خرداد ماه ۳۹ از اشخاص و مقامات بسیار محترم دولتی و بانکی و اقتصادی و بازرگانی تشکیل یافته در امور مربوط به بانکها و هدایت و ارشاد و نظارت بر اعمال دارای اختیار وسیع قانونی بوده و بعضی موارد نیز حق وضع مقرراتی بجای قانون تجارت داشته و بعبارة آخری قانون مزبور سرپرستی و قیومیت بانکها را چه در زمان حیات و فعالیت و چه در زمان انحلال و موت فرضی بعهدہ شورای مزبور قرار داده است (مواد ۵۵ و ۵۹ و ۶۵ و ۶۶ و ۷۱ و ۷۳ و ۷۹ و اختیاری که شورا طبق شقوق ماده ۶۱ قانون مخصوصاً بند های ج و الف و ب بر ابطال اجازه تأسیس بانک دارد عمل بآن بمنزله انحلال و توقف ورشکستگی نیز میباشد چه قانون مزبور متوقف ورشکستگی را در عرض هم قرار داده (ماده ۳۳) و قانون تجارت نیز ملاک ورشکستگی را توقف شرکت یا تاجر از انجام تعهدات پولی قرار داده و از جمله موارد مؤثر انحلال راهم توقف ورشکستگی معین نموده و بدیهی است که معنی و مفهوم قانونی و عرفی قسمت

دوازده ماده ۶۱ باینکه در موقعی که قدرت پرداخت از بانک سلب شود غیر توقف ورشکستگی نیست و بنا براین ابطال اجازه تأسیس در این مورد در حکم اعلام ورشکستگی و انحلال بانک است مضافاً باینکه ماده ۸۱ از قانون بانکی و پولی کشور کلیه مقررات قانونی سابق را که مغایر با قانون مزبور بوده باشد ملغی الاثر نموده است با این صراحت و حکم کلی ماده ۱۰۵ قانون تجارت که مغایر با آن قانون است در مورد مانحن فیه حکومت دارد و قابل استناد نیست و بجهت مزبور شورای پول و اعتبار را تنها مرجع صالح برای رسیدگی بموضوع میداند.

\*\*\*

### ردیف ۵۱ هیئت عمومی ۵۶۷۹/۲۲

فرجامخواه دادسرای استان هفتم

فرجامخوانده - (زیاد) فرزند محمد حسین ۳۰ ساله

فرجامخواسته - رأی شماره ۶-۲-۱/۳/۴۴ شعبه اول دادگاه جنائی استان

فارس.

گزارش - فرجامخوانده با اتهام ارتکاب قتل عمدی دومین همسر خود بانو ماهتاب بوسیله خفگی مقتوله با فشار انگشتان در ناحیه گردن بشرح کیفرخواست دادسرای شیراز برطبق ماده ۱۷۰ قانون کیفر عمومی مورد تعقیب واقع شده و دادگاه جنائی ۲ پس از رسیدگی بموجب حکم شماره ۱۲۳-۱۲/۹/۷۰-۴۲ با کثرت آراء باستناد فقد دلیل کافی برائت متهم را اعلام و اقلیت بر بزهکاری متهم نظر داده و در اثر تقاضای فرجام ماهوی دادسرا باینکه از ملاحظه برگهای پرونده کار برحسب درخواست مقام دادستانی کل فرجام ماهوی تقاضا میشود چه اولاً گواهی پزشک قانونی و ثانیاً گواهی آسیب شناسی دانشگاه ثالثاً گواهی گواهان الله کرم و نساء کرم و غیره و سایر قرائن و شواهد موجود در پرونده کار دلالت بر ارتکاب دارد و نقض دادنامه صادر و رسیدگی مجدد تقاضا میشود « با ملاحظه محتویات پرونده و رأی دادگاه و در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه موجه میباشد لذا مطابق ماده ۳۰ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری حکم فرجامخواسته نقض و بدستور ماده ۸ قانون تشکیل محاکم جنائی رسیدگی بدادگاه جنائی استان هفتم ارجاع گردیده و هیئت دیگر دادگاه جنائی استان هفتم پس از اجرای تشریفات مقرر و رسیدگی

مجدد بموجب رأی فرجامخواسته صرف نظر از انکار متهم چون در پرونده آثار هیچ گونه دلائلی که موجب حصول و علم و یقین بر بزهکاری متهم باشد موجود نیست باتفاق آراء پنج نفر بلاحفاظ فقد دلائل مثبتة رأی بر برائت متهم از بزه انتسابی صادر و آقای دادیار استان بجهات ۱ - اختلاف بین زن و شوهر .

۲ - خوابیدن متهم در جوار مقتوله در شب واقعه .

۳ - سرگ ناگهانی مقتوله .

۴ - تناقض گفتار متهم و همسایگانش .

۵ - احساس متهم باشکال زندگی با عیالش .

۶ - گواهی پزشک .

۷ - آسیب شناسی .

۸ - مواجهه بین متهم و عیال دیگرش .

۹ - قرائن و امارات موجوده حکم مخالف اصول و مستندات موجود در پرونده بدستور مواد ۴۳ و ۴۴ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری فرجامخواهی نموده و جناب دادستان کل نیز اشاره بتقاضای فرجام ماهوی قبلی نموده اند و پرونده باین شعبه فرستاده شده است .

چون فرجامخواهی از همان علت اولیه است مطابق ماده ۶۳ و ۴ قانون آئین آئین داد رسی کیفری رسیدگی در صلاحیت هیئت عمومی دیوانکشور میباشد .

در تاریخ روز چهارشنبه دوم شهریور ماه ۱۳۴۵ جلسه هیئت عمومی به ریاست جناب آقای محمد سروری رئیس کل دیوانعالی کشور با حضور جناب آقای دکتر عبدالحسین علی آبادی دادستان کل و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل گردید پس از طرح و قرائت گزارش پرونده و مطالعه اوراق لازم با کسب عقیده جناب آقای دادستان کل مبنی بر نقض رأی فرجامخواسته بدین شرح ( پزشک قانونی پس از کالبد شکافی ) فوت بانو مهتاب را ناشی از خفگی وسیله فشار عمدی و شدید انگشتان شخص دیگری دانسته و آثار انگشتان مرتکب در روی پوست دو طرف گردن و حتی در زیر پوست گردن مقتوله مشهود بوده و این آثار بقدری ظاهر بود که قاضی تحقیق نیز آنها را هنگام معاینه جسد دیده و گواهی مشروح و مستدل بخش آسیب شناسی دانشگاه شیراز که موید نظر پزشک قانونی



است صریحاً علت مرگ بانو مهتاب را فشار شدید دست راست شخص دیگر بر گردن مشارالیه‌ها تشخیص داده است بنابراین در اینکه بانو مهتاب را شخص دیگری عمداً با فشار انگشتان بر روی گردن و ایجاد خفگی بقتل رسانیده تردید نمیتوان کرد اما محرز و مسلم است که ضیاء شوهر مقتوله مشارالیه‌ها را بقتل رسانیده است بموجب تحقیقاتیکه از عیال دیگر متهم و همسایگان بعمل آمده در تمام شب در جوار مقتوله خوابیده بوده و بشهادت جان افروز عیال دیگر متهم قبل از خروج متهم از منزل بانو مهتاب بقتل رسیده بوده با اینحال ارتکاب قتل وسیله متهم ثابت است و تصور اینکه شخص دیگری بانو مهتاب را که در کنار متهم در یک بستر خوابیده بوده بقتل رسانیده باشد معقول نیست انگیزه ارتکاب بقتل از ناحیه متهم نیز روشن و واضح است بمستفاد از اقرار متهم و بشهادت همسایگان و عیال دیگر متهم بین مقتوله و متهم که دارای دو عیال بوده از مدت‌ها قبل اختلاف وجود داشته و روز بروز این اختلاف شدیدتر میشده بطوریکه متهم احساس میکرد و وجود مقتوله برای ادامه زندگی او مشکل است و اختلاف شدیدی که بین آن دو در اول شب وقوع حادثه رخ میدهد این حس را در متهم تقویت و کاسه صبر او را لبریز کرده شب هنگام در خواب عیال پیر خود را غافلگیر کرده او را خفه میکند خروج متهم در ساعت ۳/۵ صبح از منزل و اظهار او بعیال دیگرش بانو جان افروز که در گوشه دیگر اطاق خوابیده بوده باینکه حال مهتاب خوب نیست که برای طبیعی جلوه دادن فوت مقتوله بوده موید این است که متهم مرتکب قتل بانو مهتاب شده و خواسته است با بیان این جمله مرگ را طبیعی وانمود کند و در غیاب او موضوع بر سلا شود تا اسکان هر گونه شک و تردید از وی منتفی شود لیکن بانو جان افروز قبل از خارج شدن متهم سری به مهتاب میزند و از مرگ او اطلاع حاصل میکند و همسایگان که با توجه بجرایانات شب قبل از نزاع آنها و کیفیت ناگهانی مرگ به متهم مشکوک میشوند بعد از برگشت متهم احتیاطات لازم را برای جلوگیری از فرار او مینمایند علیهذا با عنایت بمراتب مذکور و دلائل زیر :

۱ - وجود اختلاف شدید بین متهم و مقتوله بطوریکه متهم ادامه زندگی با او را غیر ممکن میدانسته .

۲ - وقوع نزاع در اول شب وقوع حادثه که این حس را در متهم تقویت کرد و کاسه صبر او لبریز و انگیزه ارتکاب قتل شده .



- ۳ - اینکه متهم در کنار مقتوله خوابیده بوده و در آن هنگام بقتل رسیده .
- ۴ - نوع و کیفیت مرگ که میرساند کاملاً ناگهانی و بدون دادن مجال بمقتوله بوده .
- ۵ - اظهارات متهم هنگام خروج از منزل که میخواست مرگ را عادی جلوه دهد .
- ۶ - گواهی عیال و متهم که محرز میکنند قبل از خروج متهم بانو مهتاب فوت شده بوده است .
- ۷ - تحقیقاتیکه از همسایگان شده .
- ۸ - اختلاف و تناقض بین اظهار متهم و همسایگان .
- ۹ - گواهی پزشک قانونی و نظریه مشروح و مستدل بخش آسیب شناسی که علت مرگ را خفگی وسیله فشار انگشتان در گلو دانسته .
- ۱۰ - آثار انگشت که میرساند انگشتان قوی مردی بوده است .
- ۱۱ - سایر قرائن و امارات منعکس در پرونده برائت متهم بر خلاف ادله و قرائن موجود در پرونده است و ارتکاب قتل از ناحیه نامبرده مسلم است عقیده برگسیختن رأی فرجامخواسته دارد دادستان کل کشور - دکتر علی آبادی « مشاوره نموده بشرح زیر رأی میدهند .
- چون حکم فرجامخواسته از حیث رسیدگی و رعایت اصول و قواعد دادرسی خالی از اشکال است ابرام میشود .

## توضیح و تصحیح

در باره خبر راجع با انتخابات سیزدهمین دوره هیئت مدیره کانون و کلاء توضیح داده میشود که آقای مهدی ملکی با ۴۴ رای عضویت هیئت مدیره انتخاب شدند و چون از طرف هیئت مدیره کانون بسمت دادستانی انتظامی انتخاب گردیدند از عضویت هیئت مدیره استعفا دادند و همچنین آقایان اسمعیل زاهد و جلیل محسنین با ۲۲ رای در ردیف نوزدهم قرار داشتند که با استعفاء آقای مهدی ملکی انتخاب نفر هیجدهم بین دو نفر مزبور بقید قرعه انجام و نتیجتاً قرعه بنام آقای محسنین اصابت کرد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## آگهی

آقای محمد سپهرداد وکیل پایه یک رضائیه مقیم مرکز بموجب حکم شماره  $\frac{۱۷۷}{۴۵/۴/۱۶}$  دادگاه عالی انتظامی قضات بتوییح بادرچ در روزنامه رسمی و مجله کانون محکومیت یافته است

دادستان انتظامی وکلاء دادگستری آذربایجان - زاخری

## آگهی

آقای محمدعلی شوشتری وکیل دادگستری حوزه قضائی خوزستان طبق حکم شماره  $\frac{۳۷۳۸}{۴۵/۶/۲۳}$  شعبه ۳ دادگاه انتظامی وکلاء دادگستری باستناد بند ۷ ماده ۷۹ و بند ۳ ماده ۷۶ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلاء محکوم بتوییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلاء شده است .

دادستان انتظامی وکلاء دادگستری

## آگهی

آقای یوسف رحمتی وکیل دادگستری مرکز طبق حکم شماره دادگاه  $\frac{۴۳۶۰}{۱۳۴۵۷۷۱۴}$  انتظامی وکلاء بموجب ماده ۷۹ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء محکوم بتوییح بادرچ در روزنامه رسمی و مجله کانون میباشد .

دادستان انتظامی وکلاء دادگستری

## آگهی

آقای حسن داودی وکیل پایه (۲) دادگستری مهاباد بموجب حکم شماره  $\frac{۲۲۴}{۴۵/۶/۷}$  دادگاه انتظامی قضاة بتوییح با درج در روزنامه رسمی کشور و مجله کانون محکومیت یافته است .

دادستان انتظامی وکلاداده گستری آذربایجان  
زین العابدین زاخری

## آگهی

آقای علی پرتوی وکیل سابق دادگستری طبق حکم شماره  $\frac{۶۴۲۶}{۳۴۵/۱۰/۶}$  دادگاه شماره ۲ انتظامی وکلاء که مورد تأیید دادگاه عالی انتظامی قضات قرار گرفته باستناد بند ۱ ماده ۸ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء با یکدرجه تخفیف بتوییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلاء محکوم شده است .

دادستان انتظامی وکلاء دادگستری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی